

سوره چهل و سوم - زخرف

این سوره در مکه نازل شده و ۸۳ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

ح.ا. میم. (۱) سوگند بدین کتاب روشن. که ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم باشد که شما دریابید. و آن در اصل کتاب در نزد ماست که بلندمرتبه و حکمت‌آموز است. آیا ما به‌خاطر روی برتافتن شما یا به سبب آن که قوم گزافکاری هستند (پند و دستورهای قرآن را) از شما بازداریم؟ چه بسیار پیامبرانی که برای پیشینیان فرستادیم. و هیچ پیامبری برای آنان نیامد مگر آن که او را مسخره کردند! پس ما هم نیرومندترین آنها را هلاک ساختیم که داستان آنها در پیش گذشت. (۲ - ۸)

و اگر از آنان بپرسی که آسمان‌ها و زمین را که آفریده حتماً خواهند گفت آنها را خدای عزیز دانا آفرید. خدائی که زمین را مهد آسایش شما قرار داد و در آن برای شما راه‌ها برقرار ساخت باشد که هدایت یابید. و خدائی که از آسمان به اندازه آب فروفرستاد یا آن زمین مرده را زنده نمودیم شما هم اینچنین از گورها بیرون آورده می‌شوید. و خدائی که همهٔ زوج‌ها را به وجود آورد و برای شما کشتی و حیوانات قرار داد که بر آنها سوار می‌شوید. تا بر پشت‌های آنها استقرار یابید. و چون بر آن قرار گرفتید نعمت‌های پروردگارتان را یاد کنید و بگوئید پاک و منزّه است خدائی که اینها را بر ما مسخر گردانید و ما بر آن توانا نبودیم. و ما به سوی پروردگاران باز می‌گردیم. و (کافران) برای خدا از بندگان او فرزندان قائل شدند بی‌گمان انسان ناسپاس آشکار است. (۹ - ۱۵)

آیا خدا از آن چه آفریده برای خود دختران را (به فرزندی) گرفته و شما را به داشتن پسران برگزیده است؟ و چون آن چه را که برای خدا پسندیده بودید به یکی از آنها بشارت دهند چهره‌اش (از غم) سیاه شود و خشم خود فروخورد! یا کسانی را (به فرزندی خدا) نسبت می‌دهند که در زیور و زینت پرورش یابند ولی در پیکار و خصومت عاجزند! و فرشتگان را که آنها هم بندهٔ خدای بخشنده‌اند از جنس زن قرار می‌دهند مگر اینها در آفرینش آن حاضر بودند؟! شهادت اینها را خواهند نوشت و بازخواست می‌شوند! و گویند اگر خدا می‌خواست ما عبادت آنها (بت‌ها) نمی‌کردیم. این گفتهٔ آنها از روی علم و آگاهی نیست و جز دروغ نمی‌گویند! آیا قبل از آن کتابی در این باب به آنها داده‌ایم که بدان تمسک جویند! (نه!) بلکه می‌گویند پدران خود را بر آئینی یافتیم و ما هم در پی آنها می‌رویم! و بدین سان ما قبل از تو به هیچ شهر و دیاری رسول نفرستادیم مگر آن که توانگران گفتند پدران خود را در این آئین یافتیم و ما از کارهای آنها تبعیت می‌نمائیم! پیامبرشان گفت حتی اگر من آئینی، روشن‌تر و بهتر از آن چه پدران را در آن یافتید برایتان آورده باشیم؟ جواب دادند که ما به آن چه شما بدان فرستاده شده‌اید باور نداریم! پس ما هم از آنها انتقام کشیدیم بنگر عاقبت دروغ‌گویان چه سان بود؟! (۱۶ - ۲۵)

به یاد آر هنگامی که ابراهیم به پدر و قومش گفت من از آن چه شما می‌پرستید بیزارم. جز آن کسی که مرا آفرید که او مرا هدایت خواهد نمود! و آئین توحید را در اعقاب خود

۱. در آیهٔ بالا فرماید که کافران دختران را به فرزندی خدا روا می‌دارند ولی اگر به خود آنها گویند که صاحب دختری شده‌اند چهره‌هایشان از غم سیاه شود و خشمگین گردند. و در این آیه هم با عنایت به این که عرب‌ها به شجاعت و دلآوری ارج می‌نهادند دخترانی را که فرزندان خدا می‌پنداشتند بزرگ شده در زر و زیور و در نتیجه فاقد شجاعت و رشادت تصور می‌کردند.

پاینده قرار داد، باشد که آنها بازگردند!

(نه!) بلکه من آنان و پدرانشان را برخوردار می‌دارم تا دین حق و پیامبر روشنگر بر آنها آمد. و هنگامی که حق بر آنها آمد گفتند این سحر و جادوست و ما بدان ایمان نداریم! و گفتند چرا این قرآن بر مرد بزرگی از این دو شهر فرستاده نشده^۱. آیا رحمت پروردگارت را آنها تقسیم می‌کنند؟ مائیم که معاش آنها را در زندگی دنیا بین آنها قسمت کرده‌ایم و برخی از آنها را به برخی دیگر برتری داده‌ایم تا بعضیشان بعضی دیگر را استهزاء نمایند! و اگر نه این بود که همه مردم یک نوع و یک امتند بر خانه‌های کسانی که به خدای رحمان کفر می‌ورزند سقف‌هایی از نقره و نبردبان‌هایی قرار می‌دادیم که بر آنها برآیند. و برای خانه‌هایشان درها، و سریرها که بر آنها تکیه کنند. و زینت‌ها. همه آنها جز متاع زندگی دنیا چیزی نیست و نزد پروردگارت آخرت از آن پرهیزکاران است! (۳۵ - ۳۶)

هر کس از خدای بخشنده روی بر تابد شیطانی بر وی بگماریم که همنشین او گردد تا آنان را از راه راست باز دارند و آنها چنین پندارند که هدایت یافته‌اند! تا آن زمان که پیش ما آید (به آن شیطان) گوید ای کاش میان من و تو فاصله شرق و غرب می‌بود. که تو بر من همنشین بدی بودی! ولی امروز این پشیمانی‌ها سودی ندهد زیرا شما در دنیا ستم کردید و بی‌گمان در عذاب شریک هستید! (۳۶ - ۳۹)

(ای محمد) آیا تو توانی کران را شنوا گردانی؟ یا کوران و کسانی را که در ضلالت آشکارند راه نمایی؟ و اگر تو را هم بمیرانیم همانا از آنان انتقام خواهیم کشید! یا عذابی را که بر آنها وعده کرده‌ایم بر تو می‌نمائیم که ما بر آنها توانائیم. پس آن چه را که بر تو وحی کرده‌ایم محکم و استوار بگیر که تو یقیناً به راه راستی! و این قرآن تذکارتی است بر تو و طایفه تو و از آن بازخواست خواهید شد! از پیامبرانی که پیش از تو به رسالت فرستادیم پیرس آیا غیر از خدا معبودانی برایشان قرار دادیم که آنها را بپرستند؟! (۴۰ - ۴۵)

موسی را با دلایل و معجزات خویش به سوی فرعون و بزرگان قومش فرستادیم که گفت من فرستنده خدای جهان‌بانم. و چون معجزات ما را بر آنها آورد به ریش‌خند او پرداختند! و هیچ معجزه‌ای بر آنها ننمودیم که یکی برتر از دیگری بود و ما هم به عذابشان بگرفتیم تا مگر بازگردند! گفتند ای جادوگر! خدای خویش را بر آن عهده‌ی که ما بخوان که هدایت‌یافتگانیم. و چون ما عذاب را از آنها برداشتیم باز پیمان‌شکستند! فرعون قومش را ندا داده گفت ای قوم! مگر سرزمین مصر و این نهرها که زیر تخت من روانند خاص من نیست؟ پس آیا نمی‌بینید؟ یا من از این مرد زبون بهتر نیستم که سخن روشن نمی‌تواند بگوید؟ چرا بر او دستبندهای طلا نیفکنده‌اند یا چرا فرشتگان همراه او نیامده‌اند؟! (۴۵ - ۵۳)

او قوم خود را مجزوب خود نمود و مطیع وی شدند که آنها قوم فاسق و گناهکاری بودند. و چون ما را به خشم آوردند آنان را به کیفر رساندیم و جملگی را غرق نمودیم. و آنها را داستان و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم! (۵۴ - ۵۶)

و چون بر عیسی بن‌مریم مثل زنده قوم تو از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند خدایان ما بهترند یا عیسی پسر مریم؟ آنها آن را برای تو مثل نزنند مگر برای جدال که آنها قومی پرخاش‌جویند! او جز بنده‌ای نبود که ما بدو نعمت عطا کردیم و او را بر بنی‌اسرائیل مایه^۱. مقارن بعثت رسول ص ولید بن‌مغیره مخزومی در مکه و عروه بن‌مسعود ثقفی در طلیف از بزرگان مورد قبول اعراب بودند و مشرکان ادعا می‌کردند که رسالت می‌بایست به یکی از آنان داده می‌شد ولی خدا در آیه بعد فرمود مگر عرب‌ها هستند که رحمت خدا را تقسیم می‌کنند؟ خدا خود هر که را خواهد به رسالت خویش برمی‌گزیند!

عبرت قرار دادیم! و اگر بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی جانشین می‌سازیم. همانا او نشانه رستاخیز است بدان شک ننمائید. مرا پیروی کنید که راه راست این است. و مبادا شیطان شما را باز دارد که او دشمن آشکار شماست! و چون عیسی با دلایل و معجزات آمد گفت که من با حکمت (نبوت) به سوی شما آمده‌ام تا برخی از آن چه را که در آن اختلاف دارید برایتان بیان نمایم. پس از خدا بترسید و مرا فرمان ببرید. همانا خداست که پروردگار من و پروردگار شماست او را بپرسید که راه راست همین است. پس دستجاتی از میان آنها اختلاف کردند. وای بر ستمگاران از عذاب دردناک روز قیامت! آیا به جز رستاخیز انتظار می‌برند که ناگهان بر آنها برسد و آنها آمدن آن را درنیابند؟ در آن روز دوستان بعضی بر بعضی دشمن شوند مگر پرهیزگاران! (۵۷ - ۶۷)

ای بندگان من! امروز بر شما بیمی نیست و حزن و اندوهی برای شما نمی‌باشد. آنان که به آیات ما ایمان آورده مسلمان شدند. شما و همسرانتان به بهشت درآید و شادمان شوید. در آنجا برایشان کاسه‌های زرین و سبوها بگردانند و هر چه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها لذت ببرد مهیاست و شما در آن جاودان می‌مانید. و این بهشت همان است که شما در مقابل اعمالتان به ارث برده‌اید. برای شما در آنجا میوه‌های بسیار است که از آنها بخورید. (۶۸ - ۷۳)

گناهکاران در عذاب دوزخ همیشه بمانند. عذاب آنها سبک نگرده و آنها در آنجا سرافکنده‌گانند! و ما به آنها ستم نکردیم ولیکن آنها خود ستمگار بودند! فریاد برآورند که ای مالک (دوزخ!) پروردگارت (برای رهنی از عذاب) به مرگ ما فرمان دهد او جواب دهد که شما در این کار ماندگار هستید. ما حق را بر شما آوردیم اما بیشتر شما حق را دوست نداشتید! بلکه آنها در کفر پافشاری کردند ما هم (بر عذاب آنها) ابرام نمودیم. آیا پنداشتند که ما راز دل و حرف‌های پنهانی آنها را نمی‌شنویم؟! بلی مأموران و فرشته‌گان ما که پیش ایشانند، آنها را می‌نویسند! (۷۴ - ۸۰)

بگو اگر خدای بخشنده را فرزندی بود من نخستین پرستنده می‌بودم. خدای آسمان‌ها و زمین و پروردگار عرش منزّه است از آن چه وصف می‌کنند! بگذار در افکار باطل خود فرو روند و در دنیا بازی کنند تا به روزی که به آنان وعده داده شده است برسند. اوست که هم در آسمان خداست و هم در زمین خداست و فرزانه داناست. بزرگوار است خدائی که فرمانروائی آسمان‌ها و زمین و هر چه میان آنهاست از آن اوست و علم روز رستاخیز نزد او می‌باشد و همه به سوی او بازمی‌گردند! و آنهایی که به جز خدا می‌خوانند اختیار شفاعت ندارند مگر آنهایی که به حق شهادت دهند و آن را می‌دانند. و اگر از آنها بررسی چه کسی آنان را آفرید البته گویند خدا، پس چگونه آنها از خدا برمی‌گردند؟! و (خدا) گفتار او (محمد) را که گفت پروردگار! بی‌گماب اینان قومی هستند که ایمان نمی‌آورند؟! (شنید و فرمود) پس آنها را عفو کن و سلام بگو که به زودی درمی‌یابند. (۸۱ - ۸۹)